

تحلیل پیامدهای امر سیاسی بر تعاملات اجتماعی روستاییان

غلامرضا غفاری، حمزه نوذری

(تاریخ دریافت ۸۹/۹/۱۰، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۲)

چکیده: مطالعات روستایی در ایران بیشتر متمرکز بر تلقی از روستا به مثابه امری اقتصادی و مادی بوده است. به گونه‌ای که در نوشته‌های مطالعات روستایی امر سیاسی به عنوان یک متغیر مستقل و تعیین‌کننده در تحلیل مسائل و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد غفلت واقع شده است. مقاله حاضر بر آن است که نشان دهد امر سیاسی نقش مهمی در تفکیک و تمایز میان روستاییان بر مبنای دوست و دشمن داشته و برای نوع و ماهیت امر اجتماعی سهم تعیین‌کننده‌ای دارد. در این مقاله تلاش شده تا اثرات و پیامدهای امر سیاسی بر تعاملات و روابط اجتماعی روستاییان بررسی شود. برای تحلیل از روش پدیدارشناسی بر مبنای داده‌های تولیدشده به شیوه مشاهده، مصاحبه و تجربه زیسته استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که امر سیاسی، عناصر موجود در زندگی روزمره روستاییان مانند: دوستی و روابط همسایگی، بحث و تبادل نظر، بده‌بستان اجتماعی، اعتماد و مشارکت را بر مبنای دوست - دشمن گروه‌بندی کرده است. مفاهیم کلیدی: امر سیاسی، روابط و تعاملات اجتماعی، روستا، دوست و دشمن.

مقدمه

مطالعات روستایی در ایران با تمرکز بر تلقی از روستا به عنوان واحدی اقتصادی آغاز می‌شود که دلالت آن را می‌توان در شکل‌گیری مؤسسه اقتصادی دانشگاه تهران و توجه به پژوهش‌های

اقتصادی در جامعه روستایی دید و سپس با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی که اوج فعالیت آن در سال‌های پس از اصلاحات ارضی است، موجب توجه پژوهش‌گران معطوف به ابعاد اجتماعی روستاها می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۹). هرچند که امر اقتصادی و مادی و نتایج اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی نقش اول را در تحلیل‌ها عهده‌دار است. از نقدهایی که به این مطالعات می‌توان داشت این است که زندگی و جامعه روستایی را به زندگی و مناسبات اقتصادی، ابعاد و مسائل جمعیتی (مانند مهاجرت) و برنامه‌های توسعه‌ای (که این برنامه‌ها نیز عمدتاً معطوف به همان ابعاد اقتصادی و جمعیتی بوده‌اند) محدود می‌کند. فروکاستن جامعه روستایی به ابعاد و مسائل اقتصادی و مادی و برنامه‌های توسعه‌ای، نشان از کاستی‌هایی در شناخت جامعه روستایی و تحولات آن دارد. علاوه بر این، چنین گفتمانی از روستا توسط پژوهش‌گرانی که، بنابه منطق پژوهشی اختیار شده به شناخت عمیق از مناسبات و تعاملات روستاییان دست پیدا نمی‌کنند و شناخت آن‌ها معمولاً برحسب ارزیابی از طرح‌های توسعه‌ای روستایی که بیرون از روستا تعریف شده‌اند و یا ارزیابی‌های سریع روستایی که به تبع آن چندصباحی را در روستا گذرانده‌اند، صورت‌بندی شده است. از نقدهایی که به اصحاب این گفتمان وارد است این‌که روستاها را همگن و مشابه فرض کرده و به تبع آن مناسبات و تعاملات میان روستاییان را یکسان در نظر گرفته و با رویکردی مکانیکی و کمی چه بسا که با تردید بسیار نازلی، یافته‌های پژوهش‌های خود را به کل روستاهای کشور تعمیم داده‌اند.

مطالعات روستایی ایران در پرداختن به فرهنگ در روستا نیز متأثر از رویکرد اقتصادی است. در خوشبینانه‌ترین حالت از منظر نوسازی اجتماعی - فرهنگی و ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی به توصیف و تبیین آن پرداخته شده است. افزون بر این توجه به امر سیاسی برای تحلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توسط اصحاب علوم اجتماعی کمتر مورد توجه بوده است، که به نظر می‌رسد بدون ارجاع به امر سیاسی، تحلیل امر اجتماعی و فرهنگی در بیشتر مواقع دشوار می‌نماید، خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته که پیشی گرفتن حوزه سیاست بر سایر حوزه‌ها به خوبی نمایان است. نکته قابل ذکر این است که عدم توجه به امر سیاسی توسط پژوهش‌گران از دو حالت خالی نیست: الف. عدم توجه به نقش مهم و تعیین‌کننده امر سیاسی. ب. امر سیاسی تا چند سال قبل در روستا مسئله نبوده است.

مقاله درصدد گشایش باب ورود به این زمینه است که می‌تواند حوزه پژوهشی جدیدی را فراروی پژوهش‌گران مطالعات روستایی قرار دهد. این بحث، ضمن واکاوی ماهیت امر سیاسی در روستای مورد مطالعه به اثرات و پیامدهای آن در روستای مورد مطالعه پرداخته است.

موضوعی که به نظر می‌رسد برای بخش قابل اعتنایی از روستاهای ایران صادق باشد. پرسش‌های مورد بررسی عبارت‌اند از:

- منظور از امر سیاسی در جامعه مورد مطالعه چیست؟
- امر سیاسی به معنای مورد نظر چه اثرات و پیامدهایی را متوجه تعاملات و روابط اجتماعی نموده است؟
- تجربه افراد روستایی از سیاسی شدن روابط و تعاملات‌شان چگونه است؟

چارچوب مفهومی

در این مجال تلاش خواهد شد تا نشان داده شود چگونه می‌توان از نظریه کارل اشمیت^۱ برای تحلیل ماهیت، اثرات و پیامدهای امر سیاسی بر تعاملات و روابط اجتماعی مردمان روستا بهره گرفت. تشریح کامل ماهیت و تعریف امر سیاسی از دیدگاه اشمیت و مقایسه آن با سایر تعاریف امر سیاسی در این مقاله مختصر امکان‌پذیر نیست.^۲ در حقیقت امر سیاسی اصطلاحی بسیار مبهم است و به شکل‌هایی گوناگون حتی گاه ضد و نقیض به کار می‌رود. به همین ترتیب، تعبیری که اشمیت از ماهیت امر سیاسی دارد نیز تعبیری خاص است که با تعاریف اشاره‌شده در چارچوب‌های دیگر متفاوت است (برای آشنایی با تعاریف و ماهیت امر سیاسی از قرون باستان تا کنون ر.ک به اشتراوس (۱۳۷۳)، ردهد (۱۳۷۵)، طاهری (۱۳۷۵)، جهاننگلو (۱۳۷۳)، همپتن (۱۳۸۵)، شریعت (۱۳۸۴)، جونز (۱۳۸۳)).

«سیاست هرچند بسیاری چیزها برای عرضه کردن دارد اما در حال حاضر درک از سیاست و امر سیاسی درکی ضعیف و فقیر است» (گمبل، ۱۳۸۱: ۱۲). امر سیاسی در قرن بیستم در جدال بین مارکسیسم و لیبرالیسم قابل بررسی است. «مارکسیست‌ها ماهیت و عاملیت مستقلی برای امر سیاسی قائل نیستند و آن را برآمده از وجه تولیدی می‌دانند» (نگاه کنید به بشیریه، ۱۳۸۷). درک لیبرال‌ها از امر سیاسی درک ضعیف و فقیر است همان‌گونه که کارل اشمیت، یکی از مهم‌ترین منتقدان آن اشاره می‌کند، لیبرال‌ها قصد دارند ماهیت امر سیاسی را با مفاهیم اخلاقی و اقتصادی دگرگون سازند (نگاه کنید به اشمیت، ۱۹۸۵).

کارل اشمیت (۱۸۸۸-۱۹۸۵) مفهوم امر سیاسی را با این مقدمه آغاز می‌کند:

1. Carl Schmitt

۲. برای آشنایی بیشتر با تعاریف و ماهیت امر سیاسی از آغاز تا کنون ر.ک به پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان ماهیت امر سیاسی، اثرات و پیامدهای آن بر زندگی روزمره روستاییان، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

تنها با کشف و تعریف مقوله‌های مشخصاً سیاسی می‌توان به تعریفی از امر سیاسی دست یافت. در تقابل با انواع و اقسام کوشش‌های بالنسبه مستقل تفکر و کنش بشری، به‌ویژه، تفکر و کنش اخلاقی، زیباشناختی و اقتصادی، امر سیاسی معیارهای خاص خود را دارد که به طریق ویژه خود، ابراز وجود می‌کند. بنابراین امر سیاسی لاجرم بر تمایزهای غایی خود متکی است که منشأ همه کنش‌هایی به‌شمار می‌آیند که معنای مشخصاً سیاسی دارند. به فرض در قلمرو اخلاقیات، تمایزهای نهایی بین خیر و شرند، در زیباشناسی بین زیبا و زشت و در اقتصاد بین سودآور و بدون‌سود. پس سؤال این است آیا می‌توان تمایز خاصی پیدا کرد که چونان معیاری آسان برای تشخیص و تمییز امر سیاسی به کار آید؟ سرشت یک چنین تمایز سیاسی بی‌گمان با سرشت دیگر تمایزها فرق می‌کند، از آن‌ها مستقل است و به‌خودی‌خود می‌تواند روشن و بی‌نیاز از توضیح باشد» (اشمیت، ۱۳۸۷: ۹۵). در نظر اشمیت امر سیاسی برحسب غایت‌شناسی در آن، ممکن است. همان‌گونه که غایت‌شناسی زیبایی‌شناسی یا اقتصاد برحسب زشت و زیبا یا سود و ضرر استوار است، امر سیاسی درون خود غایتی دارد که می‌توان معنی آن را درک نمود. در ادامه اشمیت امر سیاسی را برحسب تمایز میان دوست و دشمن تعریف می‌کند یا حداقل به‌عنوان یک معیار اصلی می‌داند. «تمایز سیاسی مشخص که کنش‌ها و انگیزه‌های سیاسی را می‌توان به آن بازگرداند تمایز میان دوست و دشمن است این تمایز به‌عنوان یک معیار، امر سیاسی را تعریف می‌کند و الا نه تعریفی جامع است و نه از محتوای جوهری آن نشان دارد. به هر تقدیر امر سیاسی مستقل است نه به معنای یک قلمرو جدید متمایز بلکه از آن حیث که نه می‌توان آن را بر مبنای هیچ برابرنهاد یا آمیزه‌ای از برابرنهادهای دیگر استوار کرد و نه می‌توان آن را نشأت گرفته از این برابرنهادها دانست. اگر برابرنهاد خیر و شر به‌سادگی همان برابرنهاد زیبا و زشت، سودآور و بدون‌سود نیست و نمی‌توان مستقیم آن را به دیگر نهادها برگرداند، پس برابرنهاد دوست و دشمن را هم نباید با دیگر برابرنهادها خلط کرد یا اشتباه گرفت. تمایز دوست و دشمن دلالت بر بیشترین حد اتحاد یا تفرقه، باهم‌بودن یا ازهم‌جدا‌بودن، می‌کند. می‌تواند در حوزه نظر و در حیطه عمل وجود داشته باشد بی‌آن‌که در آن واحد محتاج به سایر تمایزها - اخلاقی، زیباشناختی، اقتصادی و غیره - باشد. دشمن سیاسی لزوماً از نظر اخلاقی شر یا به لحاظ زیباشناختی زشت نیست. او لزوماً در هیئت رقیب اقتصادی ظاهر نمی‌شود و بسا که داد و ستد تجاری با وی سودآور باشد. با همه این اوصاف او «غیر» است، بیگانه است، و برای سرشت دشمن‌بودن او همین بس که به لحاظ وجودی

به‌جد چیزی متفاوت و بیگانه باشد، چندان‌که در موارد استثنایی زد و خورد و ستیز با وی ممکن است. تنها آنانی که بالفعل در این ستیز شرکت دارند می‌توانند وضعیت انضمامی آن را تشخیص دهند، درک کنند و درباره آن داوری کنند. به لحاظ عاطفی می‌توان خیلی آسان دشمن را موجودی شرور و زشت قلمداد کرد، زیرا هر تمایزی و بیش از همه تمایز سیاسی، به‌عنوان نیرومندترین و شدیدترین تمایز و دسته‌بندی از دیگر تمایزها برای تقویت خویش مدد می‌گیرد. این مددجویی نفی استقلال این قبیل تمایزها نیست. در نتیجه عکس آن هم صادق است: آن‌که از منظر اخلاق شر است آن‌که از منظر زیباشناسی زشت است یا آن‌که در حوزه اقتصاد به شما ضرر می‌رساند لزوماً دشمن نیست نیکِ حوزه اخلاق، زیبای حوزه زیباشناسی و سودآورِ حوزه اقتصاد هم لزوماً به معنای مشخصاً سیاسی کلمه دوست نیست. فلذا سرشت ذاتاً عینی و خودآئینی امر سیاسی بدین واسطه عیان می‌گردد که می‌توان با معیار تقابل دوست-دشمن و مستقل از دیگر تقابل‌ها آن را تمیز داد و درک کرد و از دیگر حوزه‌ها بازش شناخت (همان: ۹۵-۹۷).

اشمیت تأکید می‌کند که مفاهیم دوست و دشمن را باید در معنای انضمامی و وجودی‌شان درک کرد نه در معنای انتزاعی و در حالتی که بر اثر تلفیق با مفاهیم اقتصادی و اخلاقی همراه شده است. از همین دو منظر - انتزاعی کردن مفاهیم دوست و دشمن و تلفیق با سایر مفاهیم - است که اشمیت لیبرالیسم را نقد می‌کند و تفکر لیبرالیسم در خصوص امر سیاسی را نمی‌پذیرد. لیبرالیسم در قالب یکی از دو راه‌های فکری و اقتصادی خاص خود کوشیده است از منظر اقتصاد، دشمن را قلب ماهیت دهد و به صورت قسمی رقیب درآورد و از منظر فکری، دشمن را به صورت نوعی حریف مباحثه جلوه دهد. در قلمرو اقتصاد هیچ‌کس دشمن نیست، رقیب هست و بس، در جهانی که همه‌چیز تابع قواعد اخلاقیات فردی و جمعی است شاید حریفان مباحثه در کار باشند. در این جا وجهی ندارد که ببینیم آیا کسی این تمایزگذاری را قبول دارد یا نه، یا ممکن است که این قضیه را که ملت‌ها هنوز خود را بر طبق تمایز دوست و دشمن گروه‌بندی می‌کنند جزو میراث‌های روزگاران پیش از تمدن پندارند، یا آرزو کنند که ای کاش روزی این تمایز از روی زمین محو گردد، شاید این تصور خیالی که دیگر هیچ دشمنی وجود نداشته باشد به نظر برای تربیت اذهان مفید آید. سر و کار ما در این مقام نه با اندیشه‌های انتزاعی است و نه با آرمان‌های هنجار بنیاد، بلکه با واقعیت ذاتی و امکان واقعی چنین تمایزی است. اما به حکم منطق

نمی‌توان منکر شد که ملت‌ها هنوز که هنوز است بر طبق برابرنهاد دوست-دشمن دست به گروه‌بندی خویش می‌زنند و این تمایز هم امروز همچنان به قوت خود باقی است و این امکانی همواره حاضر برای هر مردمی است که در حوزه سیاسی حضور دارند (همان: ۹۷-۹۸).

اشمیت بر جدلی بودن امر سیاسی تأکید می‌کند و کلمه‌هایی چون جامعه، طبقه و... را با توجه به گروه‌بندی دوست و دشمن بازمی‌شناسد.

اشمیت تا آن‌جا پیش می‌رود که معتقد است گروه‌بندی دوست-دشمن (امر سیاسی) پایه محکمی است که می‌تواند امر زیباشناختی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی را دگرگون و تابع شرایط خودگرداند.

«گروه‌بندی دوست-دشمن واقعی به لحاظ وجودی آن‌چنان قوی و قاطع است که برابرنهاد غیرسیاسی به محض بدل شدن به برابرنهاد سیاسی، انگیزه‌ها و معیارهای مطلقاً مذهبی، مطلقاً اقتصادی و مطلقاً فرهنگی سابق‌اش را کنار می‌گذارد و تابع شرایط و نتایج وضعیت سیاسی تازه می‌سازد. از این‌رو، این گروه‌بندی همواره دارای خصلت قاطع بشری، دارای موجودیت سیاسی است. اگر چنین موجودیتی اصلاً وجود داشته باشد همواره موجودیتی قاطع و بی‌چون و چرا است و حاکمیت دارد» (همان: ۱۰۷). امر سیاسی نقطه‌ای است که از هر نقطه شروع کنی به آن می‌رسی. «دولت و سیاست را نمی‌توان از صفحه روزگار محو کرد. دنیا را نمی‌توان به ملد تعریف‌ها و تعبیرهایی که جملگی حول محور دو قطبی اخلاق و اقتصاد می‌گردند از هرچه رنگ سیاست دارد خالی کرد» (همان: ۱۰۸). در مجموع اندیشه اشمیت درخصوص امر سیاسی را می‌توان در قالب موارد ذیل جمع‌بندی نمود:

- معیار اصلی و محوری امر سیاسی، گروه‌بندی دوست-دشمن است.
- امر سیاسی خود دارای ویژگی‌ها و خصلت‌هایی است که مستقل از اقتصاد، فرهنگ و مذهب تعریف می‌گردد.
- در بسیاری از مواقع امر سیاسی و گروه‌بندی دوست-دشمن تعیین‌کننده زشت-زیبا (امر زیباشناسی) سودآور-غیرسودآور (اقتصادی) و امر مذهبی است.
- برابرنهاد سیاسی (تفکیک دوست-دشمن) برابرنهاد غیرسیاسی (اقتصاد، اخلاق و مذهب) را دگرگون و سیاسی می‌کند.
- سرنوشت ما را نه اقتصاد، که امر سیاسی رقم می‌زند.
- تفکیک و تمایز بین انسان‌ها توسط امر سیاسی تعیین می‌شود.

— مفاهیم دوست-دشمن را باید در معنای انضمامی و وجودی‌شان درک کرد نه در معنای انتزاعی و در حالتی که بر اثر تلفیق با مفاهیم اقتصادی، اخلاقی و غیره تلفیق شده است. — اشمیت معتقد است امر سیاسی برخلاف گمان لیبرال‌ها حذف‌شدنی نیست. ماهیت و تعریف امر سیاسی از نظر اشمیت در سطح دولت-ملت مطرح شده است و زمانی که در سطح روستا که ارتباطات چهره‌به‌چهره و روابط میان مردم مبتنی بر شناخت کامل است، به کار گرفته شود، اثرات و پیامدهای به مراتب عمیق‌تری برجای می‌گذارد که در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در کلام روستاییان سیاست مدام تکرار می‌شود و به قول یکی از روستاییان سنگ‌های کوچک‌ها هم در این جا سیاسی است. منظور روستاییان از سیاست که مترادف با جناح‌بازی به کار می‌برند طرفداری از دو جناح سیاسی تعریف شده در کشور (اصلاح‌طلب-اصول‌گرا یا همان چپ و راست) است. که تحت عنوان رقابت سیاسی از آن یاد می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که در این روستا جناح‌بازی و طرفداری از جناح‌های سیاسی فقط با یک جناح بودن آن‌هم دم انتخابات نیست، بلکه سیاست و جناحی بودن بر مبنای تفکیک دوست-دشمن است. هر آن‌کس که درون یک جناح است دوست بقیه هم‌جناحی‌ها در همه زمینه‌ها و دشمن جناح دیگر در تمامی شئون است. دیگری یا غیردوست، دشمن است او متقلب، دزد یا منافق است. «این جا همیشه در همه نشست و برخاست‌های میان افراد روستا صحبت از سیاست است. همه از جناح‌بازی حرف می‌زنند. فرقی نمی‌کند چه زن چه مرد، زن است که از مرد سیاسی‌تر است. فقط حرف‌زدن نیست جناح مقابل هر کاری از دستش بر بیاید علیه ما انجام می‌دهد. همه مردم روستا یا این جناحی هستند یا اون‌جناحی» (ح. ن.، رزمنده و جانباز).

روش‌شناسی

زندگی اجتماعی ساخته شده توسط کنش‌گران انسانی، ویژگی‌هایی مانند اندیشه‌ورزی، معنادگی، ارزیابی پدیده‌ها، ابعاد پیچیده و گوناگونی دارد. جامعه به جای یک واقعیت، از واقعیت‌ها تشکیل شده است و این واقعیت‌ها به سادگی کمیت نمی‌پذیرند و مورد آزمون و سنجش تجربی قرار نمی‌گیرند. این وضعیت موجب می‌شود تا محققین برای شناخت و مطالعه زندگی اجتماعی انسان‌ها در جست‌وجوی روش‌های مطالعه مناسب باشند. جست‌وجو برای یافتن روش‌های مناسب، زمانی که هدف آشکارکردن معنی و فهمیدن ماهیت تجربه افراد که درباره آن‌ها اطلاعات کمی وجود دارد، جدی‌تر می‌شود. مقاله حاضر به دنبال این است تا ماهیت، معنا، زمینه تصور روستاییان را نسبت به موضوع خاصی چون امر سیاسی بررسی کند.

از این رو می‌توان روش کیفی مورد استفاده در این پژوهش را پدیدارشناسی نامید. روش پدیدارشناختی در پی آشکارسازی و فهم زندگی براساس خود زندگی است. از آنجایی که امر سیاسی، مفهوم و ماهیت آن، رابطه این مفهوم با سایر ابعاد زندگی روزمره مردم، اثرات و پیامدهای آن، پدیده جدید و پیچیده‌ای است، با استفاده از روش پدیدارشناسی می‌توان بخشی از این دشواری را برطرف نمود. علاوه بر این چون هدف بررسی تجربیات زیسته روستاییان درخصوص مسئله فوق‌الذکر است روش پدیدارشناختی راهگشا است. در این جا لازم است رویکرد پدیدارشناسی مورد استفاده در این بررسی را روشن تر نماییم. تقریباً تمامی شعبه‌ها و گونه‌های پدیدارشناسی از آثار و نوشته‌های هوسرل نشأت گرفته‌اند. پدیدارشناسی هوسرل به دنبال تحلیل مفهوم معنا در زیست جهان است. به عبارتی پدیدارشناسی هوسرل به معنا و درد مشترک می‌پردازد (شرت، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در نهایت آنچه از پدیدارشناسی هوسرل به دست می‌آید، گزارش دقیق و همدلانه‌ای از پدیده مورد بررسی است. هدف پدیدارشناسی هوسرل آگاهی یافتن مستقیم به پدیده‌ای است که در تجربه بلاواسطه ظاهر می‌شود و از این رو به پدیدارشناسی اجازه می‌دهد تا ساختار اساسی این پدیده‌ها را توصیف کند. برای انجام این مهم پدیدارشناس می‌کوشد درک آنچه را در تجربه او ظاهر می‌شود و همچنین معنی بین‌الذهانی را ممکن سازد. ون مانن (۱۹۹۰) معتقد است هدف پژوهش پدیدارشناسی، توضیح صریح و شناسایی پدیده‌ها است آن‌گونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند (ون مانن، ۱۹۹۰). به طور کلی برخی ویژگی‌های پدیدارشناسی هوسرل که در این نوشته مدنظر بوده است عبارت‌اند از:

- پدیدارشناسی رویکرد علمی توصیفی و دقیق است. شعار پدیدارشناسی (بازگشت به خود اشیا) توصیف پدیده‌ها همان‌گونه که در تجربه مستقیم ظاهر می‌شوند است.
- پدیدارشناسی سعی می‌کند تجربه انسانی را توصیف کند.
- آگاهی مستقیماً به تجربه یک چیز اشاره دارد.
- وظیفه پدیدارشناسی، یکی توصیف و تصویر پدیده اجتماعی، چنان‌که مردم در برخورد طبیعی خود آن را احساس و تجربه می‌کنند، است. و دیگر نشان دادن این‌که چگونه این پدیده در جریان میان‌ذهنی در آگاهی مردم پدید می‌آید. در واقع نقش و هدف محقق پدیدارشناس ورود به تجربه مشارکت‌کنندگان و دید آن تجربه به شیوه یکسان با خود آنان است. محقق پدیدارشناس، در میدان حضور دارد و خود دست‌اندرکار ساختن پدیده است. گزارش بین‌الذهانی محقق پدیدارشناس اعتبار و روایی دارد به این دلیل که او نظر شخصی‌اش را گزارش نمی‌دهد بلکه توصیف از پدیده آن‌گونه که در فضای بین‌الذهانی وجود دارد را گزارش می‌دهد. پدیدارشناسی

که در بطن مردم زندگی کرده است و خود در ساختن پدیده مشارکت داشته است مدعی است که دقیق‌ترین گزارش را از پدیده ارائه می‌دهد.

برای کشف، توصیف و تحلیل پدیده‌ای مانند امر سیاسی در تعاملات و مناسبات اجتماعی روستاییان، نیازمند روشی از نوع روش کیفی هستیم که براساس آن محقق اجازه دارد از تکنیک‌های غیرمعمول گردآوری داده‌ها نظیر بهره‌گیری از خویشتن به‌عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده نماید و این روش بی‌گمان، پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی به‌منظور توصیف دقیق و علمی پدیده مدنظر، انواع متنوعی از فنون را درپیش می‌گیرد. در این تحقیق نیز سعی کردیم به جهت کشف، توصیف و تحلیل دقیق پدیده از فنون متنوعی بهره ببریم.

فنون تحقیق: در روش پدیدارشناسی، تجربه زیسته، مصاحبه، مشاهده مهم‌ترین فنون تولید و جمع‌آوری داده‌ها هستند. از این‌روی بنابه طبیعت و ماهیت کار از حیث موضوع و روش، ضمن تشریح تکنیک‌های گردآوری اطلاعات، به نحوه انتخاب نمونه، حجم نمونه و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان می‌پردازیم.

تجربه زیسته: در روش پدیدارشناسی، گردآوری داده با این هدف انجام می‌شود که معانی زیسته موضوع تحت پژوهش آشکار شود. «پژوهش کیفی، تجربه‌های زندگی (یعنی تجربه زیسته) را ضمن تلاشی برای فهم و معنی‌دهی به آن‌ها بررسی می‌کند» (بیرن، ۲۰۰۱: ۱). به عبارتی هدف روش پدیدارشناسی دستیابی به عمق تجارب زیسته است. بر این‌اساس محقق به جهت سال‌ها زندگی در محیط تحقیق و این‌که هنوز ارتباط نزدیک و مستمری با این محیط دارد به‌مثابه یک محقق پدیدارشناس آگاهانه و مستقیم پدیده مدنظر را گزارش می‌کند و گزارش او تابع احساسات و عواطف شخصی نیست بلکه یک گزارش بین‌الذهانی است. بنابراین خود محقق و تجربه زیسته‌اش از مهم‌ترین ابزارهای گردآوری داده‌ها در این پژوهش است و در کنار آن از مصاحبه‌های متعدد نیز برای عمق‌بخشیدن به تحقیق استفاده شده است.

مصاحبه‌ها: در مطالعه‌ای که از مصاحبه به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود «نمونه‌گیری با تصمیم‌گیری درباره این‌که با کدام شخص مصاحبه کنید و این شخص باید متعلق به کدام گروه باشد، گره خورده است» (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۵). با توجه به این مطالب معیارهای انتخاب موردهای نمونه در این پژوهش عبارت بودند از: میزان تجربه افراد از مسئله، تنوع و گوناگونی افراد و همچنین در نظرگرفتن ویژگی‌هایی مانند سن و جنس. ویژگی‌های نمونه‌های انتخابی همراه با تعداد افراد مورد مطالعه در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره ۱. مشخصات نمونه‌های انتخابی

ردیف	انواع مصاحبه‌شوندگان	ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان	تعداد
اول	معلمان	به‌عنوان نمونه‌های آگاه و مطلع که هم تأثیرگذار و هم متأثر از موضوع هستند.	۱۵
دوم	دانش‌آموزان (نوجوانان و جوانان)	نوجوانان و جوانانی که زندگی روزمره و خصوصاً دوستی‌هایشان توسط امر سیاسی تمایزگذاری می‌گردد.	۱۵
سوم	افراد ۳۵ تا ۶۰ سال	افرادی که بالای ۳۵ سال و شغل آزاد داشتند.	۲۵
چهارم	سالمدان روستا	سالمدانی که تجربه طایفه‌گرایی در گذشته روستا و امر سیاسی در حال حاضر را با هم داشته‌اند.	۵

بر این اساس مصاحبه با ۶۰ نفر از روستاییان در چندین دوره زمانی انجام شده است: دوره زمانی مربوط به تابستان ۸۸، بهمن ۸۸ و فروردین ۸۹. هر مصاحبه‌شونده حداقل در ۲ نوبت زمانی مورد مصاحبه قرار گرفت. هدف از این مصاحبه‌ها، پی‌بردن به معنا و تفسیر و ارزیابی است که روستاییان از امر سیاسی و سیاسی‌شدن زندگی‌شان دارند. دلیل اصلی برای انجام مصاحبه در ۳ دوره زمانی پاسخ به این سؤال بود که آیا امر سیاسی در زمان انتخابات ماهیت و اثرات خود را آشکار می‌کند یا فرایندی دائمی است؟ بنابراین نظرات آن‌ها درباره ماهیت و پیامدهای امر سیاسی در آستانه برگزاری انتخابات، پس از آن و همچنین با فاصله زمانی تقریباً یک‌ساله پس از انتخابات (فروردین ۸۹) سنجیده شد. در این میان به جهت اشتراک پاسخ‌ها و اجتناب از تکرار، پاسخ برخی مشارکت‌کنندگان را عیناً ذکر می‌کنیم.

انواع متعدد مصاحبه در این پژوهش برای غنی‌تر کردن داده‌ها استفاده شد، مصاحبه گروهی برای بررسی موضوع از زوایای گوناگون به دلیل اعتقاد به معنای متعدد از دید کنش‌گران به کار گرفته شد. مصاحبه اپیزود برای استفاده از روایت روستاییان درباره یک موضوع خاص و مصاحبه‌های عمیق‌تر فردی که از هریک به فراخور مسئله تحقیق استفاده شده است. در این پژوهش روستاییان ۱۲ تا ۷۰ ساله مشارکت داشته‌اند.

دو سؤال کلی از همه مشارکت‌کنندگان پرسیده شد: ۱. در مورد امر سیاسی در روابط اجتماعی‌تان چه تجربه‌ای دارید؟ ۲. امر سیاسی چه وضعیتی را ایجاد کرده است؟

مشاهده: مشاهده یکی دیگر از ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کیفی به‌خصوص پدیدارشناسی است. این فن حجم قابل توجهی از اطلاعات دسته اول از موقعیت تحت مطالعه را در اختیار محقق قرار می‌دهد و هنگامی که با تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و مدارک همراه

شود، تفسیری جامع از پدیده مورد مطالعه ارائه خواهد کرد به کمک این تکنیک به دنبال دستیابی به الگوهای قابل مشاهده در زندگی روزمره مردم و ثبت برخی ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی روستای مورد مطالعه هستیم. در این تحقیق از آنجایی که پژوهش‌گر دوم این تحقیق تجربه زندگی در این روستا را دارد تمامی موارد قابل مشاهده را از نزدیک دیده است.

نوع نمونه‌گیری: در بررسی پدیدارشناسی، تا زمان احساس اشباع در مورد مفهوم پدیده مورد بررسی بایستی نمونه‌گیری ادامه یابد. منطق انتخاب نمونه بدین صورت بوده است که ابتدا از نمونه‌گیری آسان (افراد در دسترس) و سپس از نمونه‌گیری نظری استفاده گردید تا به اشباع نظری ختم شد. اشباع در تحقیقات کیفی مرحله‌ای است که اطلاعات جدیدتر به دست نیاید و هرگونه مصاحبه‌ای منجر به اطلاعات تکراری گردد. با توجه به توضیحات بالا و همچنین در نظر گرفتن معیارهایی همچون میزان تجربه افراد از مسئله، تنوع و گوناگونی افراد و همچنین در نظر گرفتن ویژگی‌هایی مانند سن و جنس. افرادی که با آنها مصاحبه انجام شد - جدول شماره (۱) - جمعاً ۶۰ نفر بودند.

ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی روستای مورد مطالعه

روستای خوزی با جمعیتی بالغ بر ۲۵۰۰ نفر در جنوب شهرستان مهر واقع شده است. شهرستان مهر از شهرستان‌های نوظهور استان فارس است که تا همین اواخر جزئی از شهرستان لامرد بوده است. این منطقه جغرافیایی که در جنوبی‌ترین نقطه استان فارس واقع شده است دارای منابع سرشار گازی است. روستای خوزی دارای سابقه طولانی زیست جمعیت است. سنگ قبری که در محل قبلی روستا پیدا شده به گفته اهالی مربوط به قرن دهم هجری و متعلق به فردی از سلاله امامان شیعه است. در کوه‌های ضلع غربی روستا سنگ‌نوشته‌های مربوط به دوران ساسانی وجود دارد که حاکی از قدمت طولانی روستا است. قبل از انقلاب، حکومت خان‌خانی ویژگی حاکم بر این روستا و روستاهای همجوار بوده است. بزرگ مالکی وجود نداشته هرچند کل روستا توسط خان اداره می‌شده است اما خرده‌مالکان فراوانی از جمله برادران و عموزاده‌های خان روستا، مالک زمین‌های روستا بوده‌اند و به قول سالمندان روستا، خان تقریباً مالک دو دانگ از کل زمین و آب قنات بوده است. به‌طور کلی نظام خان‌خانی و ارباب و رعیتی شکل کاملاً منعطفی داشته است. بعد از انقلاب و با برچیده شدن حکومت خان‌خانی، طایفه‌گرایی ویژگی عمده و تعیین‌کننده بر اجتماع روستا می‌شود. این وضعیت تا چند سال گذشته استمرار داشته است. ویژگی عمده و

تعیین‌کننده زندگی روستاییان در چند سال اخیر امر سیاسی می‌باشد. شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل در روش کیفی فرایندی پیچیده، درهم و برهم و وقت‌گیر است. در مقاله حاضر روش پنج مرحله‌ای ذیل در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

– سازماندهی داده‌ها

– طبقه‌بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها

– ارزیابی سؤالات با توجه به داده‌ها

– جست‌وجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها

– نوشتن و تهیه گزارش (مارشال، راسمن، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

تحلیل داده‌ها

در این بخش سعی خواهد شد براساس ماهیت امر سیاسی از نظر اشمیت و با تمرکز بر مصاحبه و تجربه زیسته روستاییان مشخص گردد فضای حاکم بر تعاملات و روابط اجتماعی غیررسمی روستاییان چگونه است، امر سیاسی چگونه این روابط را دسته‌بندی کرده است^۱. براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، مهم‌ترین عناصر روابط و تعاملات اجتماعی به صورت زیر دسته‌بندی گردید:

دوستی، روابط همسایگی، احترام به بزرگ‌تر - بحث و گفت‌وگو - خرید - اعتماد و مشارکت. ^۲ دو نکته مهم و قابل توجه در زمینه بررسی این مسئله وجود دارد ۱. هیچ‌کدام از مصاحبه‌شوندگان تأثیر امر سیاسی و گروه‌بندی آن را رد نکردند و براساس مشاهده و تجربه زیسته یکی از محققان، تعریف دوست و دشمن و گروه‌بندی سیاسی، امر پذیرفته‌شده و بدیهی در میان افراد این روستا است. به طوری که با آن زندگی می‌کنند. ۲. هرچند مصاحبه‌ها مربوط به دوران خاصی است سه ماه قبل از انتخابات و حدوداً یک سال پس از انتخابات ریاست جمهوری - اما مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که این پدیده در روستای مورد مطالعه همیشگی است، فقط در زمان انتخابات شدت پیدا می‌کند. تجربه زیسته محقق نیز نشان می‌دهد که

۱. بررسی علل و عوامل حضور پررنگ امر سیاسی در این روستا، نقش نخبگان سیاسی و مسائلی از این دست نیازمند بررسی جداگانه‌ای است و این پژوهش منحصراً به اثرات امر سیاسی می‌پردازد.
۲. بررسی سایر عناصر و مؤلفه‌های روابط و تعاملات اجتماعی روستاییان مانند فعالیت‌های ورزشی، مراسم مذهبی، جشن ازدواج و عروسی و...، اثرات امر سیاسی بر آنها در این مجال کوتاه امکان‌پذیر نبود.

تفکیک‌ها و مرزبندی‌های متأثر از امر سیاسی همیشه وجود دارد.

فضیلت دوستی، روابط همسایگی، احترام به بزرگ‌تر

ارسطو دوستی را به تنهایی «مایه فضیلت» و در عین حال «ضروری‌ترین فضیلت زندگی ما» می‌داند. زیرا تنها از طریق دوستی است که می‌توان ارزش‌های اخلاقی، چون خردمندی، شجاعت، میانه‌روی، سخاوت و عدالت را کشف کرد. ارسطو اهمیت فضیلت دوستی و سایر ارزش‌های اخلاقی متأثر از آن را، برحسب مدنیت توضیح می‌دهد: «این ارزش‌ها بدان جهت مهم‌اند که بدون آن‌ها زندگی در شهر بی‌محتوا، نامعقول و پست جلوه می‌کند و نیز هیچ پیشرفتی در زندگی حاصل نخواهد شد. به این ترتیب، آحاد مردم، روابط مدنی خود را نه برای خیر عموم بلکه برای ارضای تمایلات حیوانی خود به کار خواهند گرفت که در این صورت دیگر نه شهری در میان خواهد بود و نه مدینیتی برقرار می‌ماند» (شریعت، ۱۳۸۴: ۵۲).

ارسطو دوستی سیاسی را مرحله بالاتر از دوستی طبیعی می‌داند چون‌که این نوع دوستی است که موجب می‌شود، انسان‌ها برای حل مسائل مختلف اجتماعی گردهم آمده و از تفرقه و گسست بپرهیزند. در واقع اساس کار این دوستان مراقبت و حفظ امنیت و ثبات جامعه سیاسی است، وضعیتی که موجب می‌شود «شهرها استوار بمانند و قانون‌گذاران بیشتر به برقراری عدالت بیندیشند، زیرا دوستان سیاسی به حقیقت از کشمکش‌های سیاسی و دشمنی در داخل مدینه بپرهیز دارند و با علم به غایت‌ها برآنند که جامعه سیاسی را به بهترین وجه در جهت خیر عموم به حرکت درآورند» (همان: ۵۲ و ۵۳). ارسطو می‌کوشد تضاد و ستیز بین کارگران یدی (فرومایگان سیاسی) و بخردان مدینه را با برترین فضیلت (دوستی) از بین ببرد.

از نظر ارسطو تنها ستیز میان فرودستان و فرادستان جامعه (بخردان) است که در این میان دوستی سیاسی، این تضاد را از میان برمی‌دارد و دوستی فراتر از عدالت، پایه‌های مدینه را استوار می‌گرداند. اما دوستی سیاسی در این پژوهش فقط میان یک گروه ممکن است و در جهت دیگر دشمنی با گروه دیگر - یا آن‌ها - قرار دارد. امر سیاسی دوستی‌های گذشته میان روستاییان را سست و بی‌بنیاد کرده و دوستی‌ها را گونه دیگر رقم زده است. نوجوانان و جوانان معمولاً دوستان خود را از میان همسایگان، هم‌کلاسی‌ها، خویشاوندان و... انتخاب می‌کنند. این افراد معمولاً با چند نفر از دوستان خود، صمیمی‌تر از بقیه می‌شوند و رفت و آمد خانوادگی میان دوستان صمیمی شکل می‌گیرد. در چند سال اخیر امر سیاسی

و تمایزگذاری دوست و دشمن، دوستی میان نوجوانان و جوانان را سمت‌وسویی دیگر بخشیده است. به این صورت که این افراد تحت تأثیر خانواده و فضای سیاسی شده‌ روستا، دوستان را از میان خودی‌ها (جناح سیاسی) انتخاب می‌کنند و انتخاب نکردن دوست از میان جناح سیاسی مقابل نه از روی اجبار بلکه تبدیل به یک نگرش و باور قوی میان نوجوانان و جوانان شده است.

«حتی اگر بفهمیم یک کسی دختر خوبی، اخلاقش مثل خود ما است اما از جناح مون نیست خیلی ازش خوش مون نمی‌آید اصلاً رغبت نمی‌کنیم سمتش برویم» (دانش‌آموز دختر، سال دوم دبیرستان).

«دخترهای اون جناح با هم دوست می‌شوند و به ما محل نمی‌گذارند ما هم با هم جناحی‌های خودمان دوست می‌شویم و تحویل‌شان نمی‌گیریم» (دختر دانش‌آموز سال سوم دبیرستان).

«امکان ندارد دوستان صمیمی از دو جناح باشند.» (دانش‌آموز پسر، سال سوم راهنمایی).
به‌طور کلی دوستی میان نوجوانان و دانش‌آموزان دارای ویژگی‌هایی است مانند:
۱- هم‌خصلتی، به این معنا که دو نفر احساس می‌کنند ویژگی‌هایی دارند که به هم سازگار است. مثلاً یک نوجوان فوتبالیست در روستا که تمام اوقات فراغت خود را در کوه‌پس‌کوه روستا به دنبال توپ می‌دود به نوجوانی که علاقه‌مند به فوتبال است و همراه با او فوتبال بازی می‌کند بیشتر دوست می‌شود. ۲- نوجوان و افراد کم‌سن‌وسال یک خصوصیت یا ویژگی را بسیار دوست دارند و سعی می‌کنند با فردی که این خصلت را دارد، دوست شوند. به‌عنوان مثال کسی که علاقه‌مند به جوک و شوخی است با همسالانی که بذله‌گو هستند بیشتر دوست می‌شود. ۳- دوستی خونی میان نوجوانان، نوع دیگر دوستی است. دوستی با پسرعمو، عمه، دایی، خاله از این دست دوستی‌ها است. امر سیاسی چنین دوستی‌هایی را در فضای روستا و میان نوجوانان و جوانان گونه‌دیگر رقم زده است. امر سیاسی دوستی‌ها را در جهت آرمان یا هدف واحد که فردی نیست بلکه گروهی است سوق داده است. آرمان یا هدفی که گروه دوست تعیین می‌کند. دوستی با گروه دیگر یا آن‌ها که هرچه از دست‌شان بریاید علیه ما انجام می‌دهند جایز نیست. بسیاری از جوانان، دوستان صمیمی دوران بچگی و نوجوانی خود را نه تنها رها کرده‌اند بلکه در مقابل هم قرار گرفته‌اند. دوست صمیمی دوران بازی‌های کودکی هم‌اکنون دیگری است که به دنبال ضربه‌زدن است. به دنبال اهداف جناح سیاسی خود است که با اهداف و آرمان جناح سیاسی دیگر به شدت در تضاد است.

یکی از معلمان روستا که بومی روستا است در همین زمینه می‌گوید:

«اکثر معلمان مرد روستا بومی و بچه همین روستا هستند. خیلی از همین‌ها در دوران دانش‌آموزی و تا دیپلم با هم بوده‌اند با هم درس خوانده‌اند حتی دانشگاه و مراکز تربیت معلم را با هم سپری کرده‌اند اما الآن فقط در ظاهر توی مدرسه با هم سلام و علیک دارند ولی در پشت‌سر، زیرآب هم را می‌زند.»

تفکیک و دو وجهی شدن روابط همسایگی و دوست‌ها سالمندان روستا را هم متأثر نموده است. «دخترخواهرم خونش نمی‌رم چون از ما نیست، همسایم در خونش هم نمی‌دونم از کدوم وره [طرفه]» (خاله - م، ۷۰ ساله).

خاله - م، ۷۰ ساله می‌گوید:

«گذشته‌ها همه خونه هم بودیم، همه با هم بودیم قلب‌ها به هم نزدیک بود، الآن دیگه زشته با این وضعیت برم خونه اون جناح، عیب می‌کنند، بچه‌ها دعوا می‌کنند، با یک‌سری شون که هیچ مرادها ندارم با یک‌سری شون به من گهگاهی سلام می‌کنند من هم جواب می‌دم.»

دوستی و مرادها میان روستاییان گاهی به دلیل منفعت مشترک وجود دارد. شراکت در نفع که افراد برای کسب آن تلاش می‌کنند، باعث دوستی میان دو خانواده روستایی - که ممکن است از قبل یکدیگر را می‌شناختند اما رفت‌وآمد نداشته‌اند - می‌شده که گروه‌بندی دوست و دشمن وجود چنین دوستی‌هایی را فقط از میان دسته خودی امکان‌پذیر ساخته است.

«ما قبلاً با خانواده... رفت‌وآمد داشتیم چون من و فلاتی سر یک ساختمان کار می‌کردیم و دوست بودیم اما الآن دیگه با هم کاری نداریم. جناح او با ما فرق می‌کند. من الآن پیمانکارم ولی اون هنوز کارگر است. همان موقع بهش گفتم بیا این طرف نیومد» (روستایی ۵۰ ساله، پیمانکار پالایشگاه گاز پارسیان).^۱

«گذشته‌ها احترام به ریش سفید و بزرگ‌تر زیادتر بود فرقی نمی‌کرد ریش سفید و بزرگ‌تر کی باشه اما الآن احترام‌ها سیاسی شده یک جوانی به یک پیرمرد ۷۰ ساله چون از جناح خودشان نیست سلام و علیک هم نمی‌کند یا اگر با موتورسیکلت در راهش به یک کسی غیر از جناح خودشان برسند سوارش نمی‌کند قبل‌ها این جور نبوده» (معلم روستا).

سیاسی شدن روستاییان، ضربه‌زدن به هم است، دشمنی ورزیدن به هم است در این وضعیت روشن است که احترام‌ها نیز تحت تأثیر سیاسی شدن‌های (دوست و دشمن) قرار گیرد. چگونه یک جوان می‌تواند به بزرگ‌تری که دشمن او تعریف شده سلام کند و اگر هم احترام بگذارد و

۱. پالایشگاه گاز پارسیان در ۱۰ سال گذشته کنار این روستا افتتاح شده است.

سری به علامت سلام تکان دهد قلبی نیست. مدتی که در میدان تحقیق بودیم بارها دیدیم که خصوصاً اقشار تحصیل کرده وقتی در کوچه و خیابان به جناح مقابل شان می‌رسیدند، سعی می‌کردند از کنار هم رد نشوند و اگر رد می‌شدند سعی می‌کردند وانمود کنند به کار دیگری مشغول هستند و متوجه شخص دیگری نیستند، تجربه زیسته محقق در گذشته این روستا نشان می‌دهد مطلقاً چنین وضعیتی حاکم نبوده است.

یکی از روستاییان که ۵۰ سال سن دارد می‌گوید:

«از نظر اجتماعی که شما می‌گویید، این سیاسی شدن‌ها تأثیر منفی گذاشته چون همه می‌گویند قبل از این مسائل قلب‌ها نزدیک بوده اما الآن برادر است با برادر که از دو جناح هستند، خانه هم نمی‌روند، خود من سال‌ها است به همین دلیل با برادر و دامادمان رفت‌وآمد نداریم». طی هفت هشت سال اخیر روابط فامیلی و خویشاوندی شدیداً تحت تأثیر جناحی‌بازی و در نتیجه دوست و دشمنی قرار گرفته است پدرم که در همین روستا ساکن است می‌گفت برادر خانه برادرش نمی‌رود چون به خاطر همین انتخابات دوست و دشمن شده‌اند اگر هم اتفاق بیفتد که یک برادر به خانه برادر دیگر که از جناح‌اش نیست برود، خیلی با هم حرف نمی‌زنند، چون اعتماد به هم ندارند. (یکی از محققان).

«۳ ساله که با همسایه‌مون صحبت نمی‌کنم رفت‌وآمد ندارم چون اونو قبول ندارم، اون و جناح‌شون همه‌شون کلاهبردارند، دزدند» (ح، ۵۷ ساله).

«من قبلاً پزشک روستا را نمی‌خواستم ببینم از زمانی که فهمیدم از جناح خودمونه خیلی دوست‌اش دارم» (ع، ۴۱ ساله).

این‌که تعاملات و روابط اجتماعی بین مردم این روستا تعریف دیگری پیدا کرده و امر سیاسی این تعریف را شکل داده برای همه اهالی روستا روشن است، همگان این تفکیک تعاملات برحسب جناح‌بازی و سیاسی شدن را پذیرفته و به آن رفتار می‌کنند. در واقع امر سیاسی است که تمایز میان حقیقت و خطا را برای روستاییان روشن می‌سازد. امر سیاسی باورها و نگرش‌های روستاییان در روابط و تعاملات‌شان با دیگری را شکل می‌دهد و هر روز آن را مستحکم‌تر می‌سازد.

بحث و گفت‌وگو میان روستاییان

اکثر گفت‌وگوها و حرف‌هایی که در میهمانی‌ها و نشست و برخاست‌ها و حتی تفریح‌ها زده می‌شود، مسائل سیاسی است. امر سیاسی حضور جدی در اکثر گفت‌وگوها دارد. به قول یکی از اهالی روستا:

«این‌جا از هر چی حرف بزنند اول و آخرش به مسائل سیاسی و رأی و انتخابات ختم می‌شه».

هابرماس در نظریه‌کنش ارتباطی بحث و تبادل نظر و حقیقتی که از دل این تبادل نظرها هویدا می‌گردد را جوهر سیاست می‌داند (هابرماس، ۱۳۸۴). اما کنش‌گران این پژوهش حقیقت دیگری را مطرح می‌سازند. حقیقت این است که بحث و تبادل نظر فقط بین دوستان وجود دارد و امکان ندارد دو گروه سیاسی با یکدیگر تبادل نظر و بحثی داشته باشند چه رسد به این‌که به تفاهمی دست یابند.

«آن‌ها هرچه از دست‌شان بریاد علیه ما انجام می‌دهند» (ب. معلم).

بحث و تبادل نظر در مورد سیاست که ابتدا و پایان هر گفت‌وگو و نشست و محفلی است به شیوه‌ای پیش می‌رود که در آن به معنای واحدی و به یک داوری نهایی ختم می‌شود. داوری نهایی میان دوستی و دشمنی. فهم مشترک و همان احساس مشترکی که در بحث و تبادل نظر افراد بازتولید می‌گردد، دیگری را مطابق دشمن تقسیم‌بندی می‌کند و مقاومت در برابر آن را خواستار می‌شود. آن بدیو هرچند که بحث و تبادل نظر را جوهر سیاست می‌داند اما معتقد است زمانی بحث‌ها، معنای سیاسی دارند که به تصمیم ختم شوند. «بدین‌سان مسئله حقیقت ممکن سیاسی را لزوماً باید نه بر پایه بحث و تبادل نظر... بلکه باید براساس فرایند پیچیده‌ای به بوتۀ آزمون سپرد که بحث را به تصمیم پیوند می‌زند» (بدیو، ۱۳۸۸: ۲۹۳). بحث و گفت‌وگو میان روستاییان با تصمیم همراه است، تصمیم به دوستی بیشتر با دوستان و هم‌زمان دشمنی بیشتر با دشمن و نتیجه تصمیم به عدم هرگونه تعامل و ارتباط با گروه دیگر.

«این‌جا هر جناحی از طریق کردار، گفتار و حالت چهره و حرکات خود نسبت به جناح دیگری نفرت نشان می‌دهد» (م. عضو شورای اسلامی روستا).

بحث و گفت‌وگو در عین حالی که در میان دوستان همیشگی است و تمایزها را مستحکم‌تر می‌کند با دیگران در حالت انسداد است. طرفین سخن یکدیگر را رو در رو نمی‌شنوند. و در نتیجه آن‌چه از دل چنین فضایی بیرون می‌آید، عدم فهم دیگری است.

خرید

«خرید نوعی مناسبات اجتماعی است. ما از طریق دیگران زندگی می‌کنیم و خرید نیز بخشی از کنش پیوسته ماست. خرید در خصوصی‌ترین و فردی‌ترین حالت خود معطوف به دیگران است» (اباذری و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸۸). در این‌جا منظور از خرید، نوعی کنش روزمره

روستاییان است که بخشی از آن مربوط به خرید کالا و مایحتاج است. یعنی این‌که خرید در این‌جا علاوه بر جنبه کالایی، حضور در مغازه و برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی هم می‌شود هرچند ممکن است خرید انجام نشود. به عبارتی خرید و رفتن به مغازه جزئی از عرصه عمومی روستا است.

سیاست به معنای بیان‌شده با همه حوزه‌ها حتی به یکی از غیرسیاسی‌ترین حوزه‌ها یعنی خرید هم مرتبط است.

«مردم روستا از مغازه‌ای که از جناح خودشون نیست خرید نمی‌کنند مگر این‌که مجبور باشند» (خانم ل.، مغازه‌دار، آقای الف.، مغازه‌دار).

زمانی که یک شخص، فرد مقابل را دشمن بداند، حاضر نیست از مغازه او خرید کند و به او سود برساند، چون وارد شدن به مغازه یعنی سلام و علیک کردن، همراه با احوال‌پرسی، وارد شدن به مغازه فرد جناح دیگر یعنی تشکر از دادن کالا که مردم این روستا تا جایی که امکان داشته باشد از چنین برخوردها و تعاملات به قول خودشان نادرستی دوری می‌کنند. یکی از اعضای شورای اسلامی روستا معتقد است اگر هم کسی بنا به اجبار از مغازه جناح سیاسی مقابل خرید کند، این عمل خیلی زود توی روستا پخش می‌شود و مورد مذمت و سرزنش افراد خودی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی خرید و حضور در مغازه تحت تأثیر گروه‌بندی دوست و دشمن امر سیاسی قرار دارد.

سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت)

امر سیاسی تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت) نیز می‌باشد، تحقیقات و پژوهش‌هایی که درباره سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در ایران شده است سرمایه اجتماعی را به دو دسته درون‌گروهی و برون‌گروهی تقسیم می‌کنند، این پژوهش‌ها اعتماد برون‌گروهی را زمینه‌ساز و یکی از عوامل توسعه و پیشرفت می‌شمارند. در این نوع سرمایه اجتماعی، اعتماد افراد از مرحله خویشاوندگرایی فراتر می‌رود، ولی در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی اعتماد به خویشان و نزدیکان در مرحله بالا و نسبت به دیگران در حد پایینی قرار دارد. چنین پژوهش‌هایی تحصیلات، شهری شدن، صنعتی شدن و... را عوامل مؤثر در سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌پندارند (جهت آشنایی با سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، رک. زتومکا، ۱۳۸۶؛ غفاری، ۱۳۸۰؛ کلمن، ۱۳۷۷؛ مردوخی، ۱۳۷۳؛ پاتنام، ۱۳۸۰). صرف نظر از پذیرفتن یا نپذیرفتن این مسئله، اعتماد و مشارکت در این روستا متفاوت است، اعتماد به‌شدت تحت تأثیر امر سیاسی و گروه‌بندی متأثر از آن است.

«اگر برادر کسی از جناح دیگری باشد و در جمع برادران و پدر و مادرش که جناح دیگری هستند حاضر شود، حرف‌های خصوصی و شخصی پیش او نمی‌زنند، ولی اگر غریبه باشند، قوم نباشند ولی از جناح هم باشند حرف دل‌شان را برای هم می‌زنند، به هم اعتماد می‌کنند» (ص. الف، ۶۰ ساله بازنشسته، همراه با تأیید خانم‌ها خ.، ۵۰ ساله، خانه‌دار، و خانم ه.، ۶۰ ساله خانه‌دار).

اکثر گفت‌وگوها و حرف‌هایی که در میهمانی‌ها و نشست و برخاست‌ها و حتی تفریح‌ها زده می‌شود، مسائل سیاسی است. مشارکت در فعالیتهای عمومی روستا با گروه‌بندی جدید تعریف می‌گردد.

«چندین سال قبل خیلی از مردم همین روستا در مراسم مذهبی شرکت نمی‌کردند، اگر هم شرکت می‌کردند به حضور کوتاه و موقتی در حسینیه داشتند، اما الآن به خاطر همین جناح‌بازی‌ها به خاطر این‌که دسته‌عزاداری جناح‌ها بزرگ‌تر باشه هیچ‌کس توی خونه نمی‌مونه، همه را می‌آورند تا هر گروهی بگوید دسته ما بزرگ‌تره.» (عضو هیئت امنای یکی از حسینیه‌ها). امر سیاسی و تمایزگذاری دوست و دشمن امر مذهبی را تحت تأثیر قرار داده و دسته‌بندی آن را دگرگون ساخته است. همان‌گونه که امر سیاسی مثل مورد بالا مشارکت بیشتر را سبب شده در جایی دیگر مانعی سر راه مشارکت روستاییان است.

«من پول آشغال نمی‌دم خودم آشغال‌ها را بیرون می‌ریزم، پول آشغال همون جناح خودشون بدهند که سهام عدالت گرفتند به من که پول و بن اقشار مستضعف نداده‌اند» (ی.، ۳۸ ساله).

دهیاری روستا مدتی است که آشغال‌های روستا را جمع‌آوری می‌کند عده زیادی از جناح سیاسی مقابل دهیاری، هزینه جمع‌آوری زباله‌ها را نمی‌پردازند، تنها دلیل پرداخت نکردن این هزینه را سیاسی عنوان می‌کنند به این معنا که چون دهیاری در تقسیم منافع جناحی عمل می‌کند آن‌ها هم هزینه جمع‌آوری زباله پرداخت نمی‌کنند. هزینه جمع‌آوری زباله بالا نیست، ۲۰۰۰ تومان مبلغ زیادی برای اهالی این روستا نیست. اما تمایزات دوست و دشمن سیاسی و برای نشان دادن عدم توانایی جناح مقابل در اداره امور باعث شده که در مسائل عمومی روستا زمانی که جناح سیاسی مقابل پیشگام است، مشارکت نکنند.

نتیجه‌گیری

امر سیاسی عرصه‌ای است که تعارض و تضاد میان گروه‌ها نمایان می‌شود، ستیزها و تنش‌هایی که کمتر قابل تجزیه و تحلیل با دیگر امور است. کمتر قدرت و نهاد اجتماعی وجود

دارد که بتواند از تفکیک‌گذاری، ستیز و تعارض بنیادی که توسط امر سیاسی تعیین می‌گردد خلاصی یابد. برای اشمیت معیار امر سیاسی یا ویژگی تفاوت‌گذار آن همان رابطه دوست-دشمن است. امر سیاسی این سؤال را پیش می‌نهد که چگونه باید زندگی کنیم؟ در فضای امر سیاسی است که چارچوب همه فعالیت‌های اجتماعی مشخص می‌شود. قواعد پیونددهنده خلق یا سست می‌گردند، الگوی تبادل و تعامل در درون جامعه شکل می‌گیرد؛ و در همین فضا است که شبکه روابط و تعاملات متأثر می‌گردند. امر سیاسی تعیین‌کننده نوع و ماهیت تعاملات و روابط اجتماعی روستاییان است. ماهیت امر سیاسی از نگاه اشمیت مبتنی بر تمایزگذاری دوست و دشمن در سطح میان دولت‌ها مطرح شده است و زمانی که در یک جامعه کوچک مانند روستا که روابط میان مردم چهره‌به‌چهره و دائمی است ظاهر گردد، به‌مراتب اثرات مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری دارد. امر سیاسی در چنین جامعه‌ای باعث‌گردیده خاموشی و انفعال مردم کنار گذاشته شود. به‌طوری که در یک دوره کوتاه تمامی عناصر یک جامعه روستایی برحسب تمایز دوست و دشمن متمایز گردند و تنش‌های بین مردم شدیدتر شود. این تمایز دوست و دشمن در غیررسمی‌ترین و صمیمی‌ترین روابط هم رسوخ پیدا کرده است. در این جا سیاست به جای یکپارچه‌ساختن مردم، شکاف‌ها و تضادها را عیان ساخته است، شکافی که بر مبنای تضادهای طایفه‌ای نیست. حقیقت امر سیاسی (تفکیک دوست-دشمن) در کلام هر روزه افراد روستا آشکار و کاملاً انضمامی است. افراد روستا تمامی مفاهیم، کلام و عناصر زندگی روزمره‌شان بر محور ستیز و جدل استوار است. تنها آنانی که بالفعل در این جامعه روستایی هستند می‌توانند چنین وضعیتی را تشخیص دهند، درک کنند و درباره آن داوری نمایند.

امر سیاسی در تمامی بحث‌ها و تبادلات نظرهای روستاییان وجود دارد و نتیجه چنین بحث‌هایی، باز تولید دوستی و دشمنی‌هاست. در بحث‌های روستاییان هیچ‌وقت دیگری حضور ندارد، دیگری که از همان روستا است اما از جناح دیگری است. او مورد اعتماد نیست، متقلب است و هرچه از دست‌اش برمی‌آید علیه جمع خودی انجام می‌دهد. حضورنداشتن دیگری در بحث‌ها، عدم درک و فهم دیگری را غیرممکن ساخته است. هرچند که اختلاف‌ها، عقیده‌ها و سلیقه‌ها امر طبیعی است به نحوی که نمی‌توان جامعه را عاری از آن تصور کرد، اما آنچه در شرایط فعلی به صورت مسئله پیچیده درآمده است، نحوه اداره این اختلافات، چگونگی برقراری ارتباط اجتماعی و تماس سیاسی است. در جامعه مورد مطالعه به دلیل نبود چارچوب و قالب‌های مشخص و تعدد و تکثر انتخابات، اداره اختلافات سیاسی امری غیرممکن شده است و به نابودی تعاملات و روابط اجتماعی روستاییان منجر شده است. آنچه

که باعث انعطاف‌ناپذیری در تعاملات و روابط اجتماعی روستاییان اعم از روابط دوستی و همسایگی، ازدواج، خرید، اعتماد و مشارکت شده؛ اتهام‌گرایی است. استفاده از واژه‌های متقلب، دزدی آراء، منافق، بی‌دین و... نمونه‌ای از اتهاماتی است که پیامدها و تأثیرات آن در تفکیک و تمایزات دوست و دشمن آشکار می‌شود.

منابع

- اباذری، یوسف و عباس کاظمی (۱۳۸۴)، «رویکردهای نظری خرید: از جامعه‌شناسی تا مطالعات فرهنگی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵، تهران: دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۹)، «تحلیل بر مطالعات روستایی در ایران»، *مجله توسعه روستایی*، شماره اول، تهران: دانشگاه تهران.
- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳)، *فلسفه سیاسی چیست*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اشمیت، کارل (۱۳۸۷)، «مفهوم امر سیاسی»، ترجمه صالح نجفی، در *گزیده مقالات قانون و خشونت*، گزینش و ویرایش مراد فرهادپور، امید مهرگان و صالح نجفی، تهران: رخداد.
- بدیو، آلن (۱۳۸۸)، *فلسفه سیاست - هنر عشق*، ترجمه مراد فرهادپور، صالح نجفی و علی عباس‌بیگی تهران: رخداد نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۳)، *مابکاولی و اندیشه رنسانس*، تهران: نشر مرکز.
- جونز، و.ت (۱۳۸۳)، *خداوندان اندیشه سیاسی* (جلد دوم)، ترجمه علی رامین، تهران: امیر کبیر.
- ردهد، برایان (۱۳۷۵)، *اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو*، ترجمه مرتضی کاخی و اکبر افسری، تهران: انتشارات آگاه.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، *اعتماد نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
- شرت، ایون (۱۳۸۷)، *فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای هرمنوتیک*، تبارشناسی و نظریه انتقادی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- شریعت، فرشاد (۱۳۸۴)، *مبانی اندیشه سیاسی در غرب*، تهران: نی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب*، تهران: نشر قومس.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- گمبل، آندرو (۱۳۸۱)، *سیاست و سرنوشت*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- مارشال، کاترین راسمن، کرچمن (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴)، *کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
- همپتن، جین (۱۳۸۵)، *فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

Byren, M.Michelle (2001), "Understanding Life Experience through a Phenomenological Approach to Research", Published By Elsevier B.V

Schmitt, C., (1985), *political theology*, translated by George Schwab, Massachusetts of technology.

Van Manen, m. (1990), *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*, London, Ontario: the University of Western Ontario.

غلامرضا غفاری، دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران است (نویسنده مسئول).
ghaffary@ut.ac.ir
حمزه نوذری، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است.
nozari56@yahoo.com